



امام منظور من این نبود!

نیز بسیار مهم است؛ مشکلی که نبود آن، به خصوص در سنین کودکی و نوجوانی، یکی از دلایل اصلی درک نشدن مطلب در دانش‌آموزان است. برخی از دانش‌آموزان نیز مشکل کندی خوانی دارند، یعنی چون مغز آنان اطلاعات وارد شده را به سرعت پردازش نمی‌کند، ناچارند متن را آرام‌تر از حد معمول بخوانند تا معنای آن را درک کنند. هر چند که این موضوع ناشی از نقص جسمانی آنان نیست و با انجام تمرین‌های لازم و ممارست بیشتر، قابل حل است. این نکته در زمان امتحانات پایان سال یا هنگام کنکور که معمولاً دانش‌آموزان با فرصت کم و حجم زیاد مطلب مواجه هستند، بسیار در دسترس‌ساز است.

کندی خوانی دلایل متعددی دارد که در همه و در تمامی شرایط یکسان نیست، ولی عواملی مانند اضطراب زیاد، نداشتن تمرکز، روش مطالعه غلط و خواندن واژه به واژه، وسواس هنگام خواندن متن و بازگشت به عقب و مطالعه با صدای بلند به جای مطالعه چشمی، از مهم‌ترین عوامل کندی خوانی

عواملی مانند اضطراب زیاد، نداشتن تمرکز، روش مطالعه غلط و خواندن واژه به واژه، وسواس هنگام خواندن متن و بازگشت به عقب و مطالعه با صدای بلند به جای مطالعه چشمی، از مهم‌ترین عوامل کندی خوانی هستند

همان‌طور که می‌دانید، «زبان» یکی از کهن‌ترین و پرکاربردترین ابزار و روش‌های ارتباطی شناخته شده است و وقتی موضوع «ارتباط» مطرح می‌شود، با «درک متقابل» پیوندی ناگسستنی دارد. به بیان دیگر، اگر درکی صورت نگیرد یا درکی ناقص انجام شود، یکی از طرفین رابطه نقش خود را به خوبی ایفا نکرده است.

خواندن و درک مطلب فقط هنگام یادگیری زبان خارجی یک مسئله نیست، بلکه هنگام یادگیری و کاربرد زبان بومی و مادری نیز مشاهده می‌شود. اما طبیعی است وقتی با زبانی خارجی روبه‌رو می‌شویم، این موضوع جدی‌تر می‌شود. غیر از دایره لغات و دانش واژگان که برای فهم متن اهمیت زیادی دارد، تمرکز

شبکه‌های اجتماعی از چند جنبه به فرهنگ مطالعه و تسلط بر مهارت «خواندن و درک مطلب» آسیب رسانده‌اند. غالباً در این فضا با «غلط‌نویسی»، «شلخته‌نویسی» و «مختصر‌نویسی»، آن هم به شیوه‌ای نادرست، روبه‌رو هستیم

این فضاها می‌توانند در مهارت‌های «خوانداری» ایفا کنند.

نگاه مردم به مهارت‌های زبانی و ارزش‌گذاری نه‌چندان دقیق و علمی آنان نیز در این باره بی‌تأثیر نیست. عموم مردم وقتی موضوع یادگیری و تسلط بر زبانی خارجی مطرح می‌شود، به‌طور عمده به مهارت «گفتاری» و البته مهارت مکمل آن، یعنی «شنیداری»، توجه دارند و اگر فردی خوب و روان صحبت کند، هر چند با اشتباهات متعدد تلفظی و دستور زبانی که عموم مردم کمتر به آن‌ها توجه دارند و برایشان غالباً قابل‌تشخیص نیست، معتقدند که «زبان او خوب یا حتی عالی است» و به مهارت‌هایی چون «خواندن» و «نوشتن» توجه چندانی ندارند، زیرا هدف اغلب آن‌ها از یادگیری زبان خارجی، برطرف کردن نیازشان هنگام ارتباط روزمره، شخصی و گاه شغلی است.

به علت اهمیت مهارت‌های چهارگانه زبانی، از این شماره به بعد، در هر فصل به یکی از آن‌ها خواهیم پرداخت. تمرکز اصلی این شماره بر مهارت «خواندن و درک مطلب» است.

پی‌نوشت‌ها

1. Terry Eagleton
2. Eagleton, Terry (2011). *Literary Theory: An Introduction* (2nd Revised Edition). Minneapolis: Wiley-Blackwell

علاوه بر این، «خواندن و درک مطلب» با قدرت تجزیه و تحلیل ارتباط مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، افرادی که بر اولی تسلط خوبی دارند، در دومی نیز موفق هستند. بنابراین، با مسائل و مشکلات زندگی نیز بهتر کنار می‌آیند، چون قادرند مطالب کتاب زندگی را به‌خوبی مطالعه و تجزیه و تحلیل کنند.

اما تسلط بر مهارت «خوانداری و درک مطلب»، علاوه بر اینکه در برقراری ارتباطات روزمره بسیار مهم است، در ارتباط برقرارکردن با ادبیات، اعم از شعر، داستان و قطعه ادبی، اهمیتی صدچندان دارد؛ به این معنا که اگر این مهارت در شخصی به‌خوبی رشد نکند، به تدریج ارتباط او با ادبیات مرتبط با آن زبان قطع خواهد شد و از لذت آن بی‌نصیب خواهد ماند؛ به‌ویژه اینکه طبق نظر تری ایگلتون^۱، نظریه‌پرداز ادبی و منتقد مشهور انگلیسی، «ادبیات، انحراف از زبان معیار است»^۲ و وقتی فرد از زبان معیار که غالباً برای ارتباط‌های عادی و روزمره به کار می‌رود، دور می‌شود، درک آن نیز دشوارتر است و به صبر و حوصله و تسلط بیشتری نیاز دارد. نکته‌ای که باز هم شوربختانه در برخی از دانش‌آموزان ما به چشم می‌خورد و حتی گاهی اوقات شنیده می‌شود که دانش‌آموزان از درس ادبیات فارسی ابراز تنفر می‌کنند که مهم‌ترین علت آن، همین ضعف در مهارت «خواندن و درک مطلب» است.

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی نیز از چند جنبه به فرهنگ مطالعه و تسلط بر مهارت «خواندن و درک مطلب» آسیب رسانده‌اند. نکته نخست اینکه، به خاطر شتاب و عجله در نوشتن و نبود توجه و دقت کافی، به‌ویژه در میان جوانان و نوجوانان، غالباً با «غلط‌نویسی»، «شلخته‌نویسی» و «مختصر‌نویسی»، آن هم به شیوه‌ای نادرست، روبه‌رو هستیم که ممکن است بر مهارت‌های «نوشتاری» و «خوانداری» آنان تأثیر بسیار بدی داشته باشد. نکته بعدی، عادت‌کردن به خواندن متن کوتاه، نه‌چندان دقیق، عمیق و تخصصی و با جمله‌بندی‌های معمولاً نادرست است. به نحوی که هم‌اکنون دیده می‌شود، حتی برخی از افراد تحصیل‌کرده و متخصص ما، به‌جای استفاده از متن‌های دقیق و علمی و استناد به این متن‌ها، اطلاعات خود را غالباً از متن‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی کسب می‌کنند. البته در اینجا قصد نداریم بگوییم تمام متن‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از نظر محتوا و دستور زبان مشکل‌دار و بدون ارزش هستند، چون متن‌های بسیار با ارزش و پرمحتوایی نیز در فضای مجازی دیده می‌شوند، بلکه قصد، اشاره و تأکید ما بر نقش مخربی است که برخی از متن‌های موجود در

هستند. از سوی دیگر، تندخوانی به معنای خواندن مطالب به شکل روزنامه‌وار، سریع و بدون تأمل نیز برای درس‌خواندن و مطالعه جدی روش مناسب و مفیدی نیست.

در اینجا قصد نداریم به فنون و راهکارهای مناسب برای پاسخ به سؤالات آزمون‌هایی مانند آزمون سراسری (کنکور) به‌ویژه در سطح کارشناسی ارشد و دکترا یا آیلنس و تافل بپردازیم که غالباً بخش مهمی به نام «خواندن و درک مطلب» دارند، اما علاوه بر مطالب گفته‌شده، تسلط کافی بر دستور زبان و شناخت ساختارهای جمله و مطالعه مستمر متن‌های متنوع، به بهبود مهارت «خواندن و درک مطلب» کمک می‌کند. البته توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که درک مطلب یک پیوستار است که پیش از مطالعه هر متن، در آغاز، در حین و پس از خواندن آن نیز ادامه می‌یابد.

«خواندن و درک مطلب» همانند «شنیدن و درک مطلب» لذت‌بخش است و ایجاد انگیزه می‌کند. اما علاوه بر این، برای انجام امور شخصی، از جمله انجام امور بانکی، معاملات و ارتباطات کتبی در محل کار یا تحصیل، بسیار اهمیت دارد. در واقع، کسانی که در درک مطلب موفق باشند، هنگام انتقال مطلب نیز عملکرد خوبی دارند. این نکته در معلمان، مربیان و مدیران موفق نمود چشمگیری دارد.

«خواندن و درک مطلب» با قدرت تجزیه و تحلیل ارتباط مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، افرادی که بر اولی تسلط خوبی دارند، در دومی نیز موفق هستند.